

انقلاب جهانی مهدی علیه السلام ثمره قیام حسینی

دین اسلام محمدی اصیل، به وسیله
امام مهدی علیه السلام بر روی زمین ظاهر می شود
و امام مهدی (ع) از فرزندان امام
حسین علیه السلام، و پایه و کانون حقیقی
انقلاب امام مهدی علیه السلام، انقلاب امام
حسین علیه السلام است؛ پس با امام
مهدی علیه السلام آیه (تا اورا بر همه
دین ها پیروز گرداند)
تحقق می یابد و اهل
زمین، محمد صلی الله علیه و آله و
شأن عظیم و مقام
والای آن حضرت را
می شناسند و
امام مهدی علیه السلام خود،
نتیجه ای از نتایج
انقلاب حسین علیه السلام
است و انقلاب اصلاحی
جهانی امام مهدی علیه السلام،
چیزی جز ثمره و نتیجه
واقعی برگرفته شده از
انقلاب امام حسین علیه السلام نیست.

الکتاب

در کتاب

روایت صحیح خلقت حوا

بررسی مختصری از زندگی

عباس بن علی علیه السلام

حقوق زن در کلام قائم آل محمد علیه السلام

چیست؟

زندان ظالمان این بار جایگاه پادشاه جهان،

امام موسی کاظم علیه السلام می شود

بررسی شیوه تبلیغی پیامبر صلی الله علیه و آله در دوره جاهلیت

الکتاب

سید احمد الحسن کیست؟

سید احمد الحسن، فرزند سید اسماعیل، فرزند سید صالح، فرزند سید حسین، فرزند سید سلمان، فرزند امام محمد بن الحسن العسکری است. ایشان وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام است و برای هدایت و زمینه سازی ظهور مقدس مبعوث شده است. همان یمانی موعود، برای شیعیان و همان مهدی متولد شده در آخر الزمان نزد اهل سنت که رسول الله صلی الله علیه و آله بشارت تولد ایشان را داده اند و نیز فرستاده ای از سوی حضرت عیسی علیه السلام و حضرت ایلیا علیه السلام برای مسیحیان و یهودیان است. ایشان دعوت الهی خویش را به دستور پدر بزرگوارش امام مهدی علیه السلام، در سال ۱۹۹۹ در نجف اشرف، پایتخت دولت عدل الهی آغاز نمودند و از آنجا دعوت امام مهدی همچون دعوت رسول الله به همه جهان انتشار یافت. سید احمد الحسن علیه السلام برای اثبات حقانیت خویش، به قانون معرفت حجت های الهی احتجاج می کنند: این قانون از سه اصل تشکیل می شود:

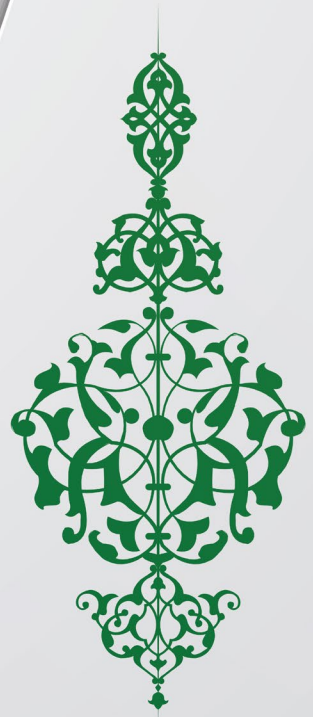
۱. نص الهی؛ یعنی وصیت شب وفات رسول الله صلی الله علیه و آله را مطرح کرده اند و نام مبارک احمد به عنوان مهدی اول در آن ذکر شده است.
۲. علم و حکمتی که برای هدایت همه مردم ارائه داده و با آن، همه علمای ادیان و بزرگان الحاد را به تحدی فراخوانده اند.
۳. پرچم البیعة لله (دعوت به حاکمیت خدا)

ایشان یکی از اوصیای رسول خدا صلی الله علیه و آله است که در وصیت آن حضرت در زمان وفاتش به وی تصریح شده است: از اباعبدالله جعفر بن محمد از پدرش امام باقر از پدرش صاحب پینه ها زین العابدین از پدرش حسین زکی شهید از پدرش امیر المؤمنین علیه السلام که فرمود: «... ای ابالحسن، صحیفه و دواتی حاضر کن؛ و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وصیتش را املا فرمود تا به اینجا رسید که فرمود: ای علی، پس از من دوازده امام خواهند بود و پس از آن ها دوازده مهدی. ای علی، تو نخستین دوازده امام هستی... و ایشان دوازده امام اند و سپس دوازده مهدی خواهد بود... پس اگر زمان وفاتش رسید، آن را [خلافت] به فرزندش، نخستین مهدیین تسلیم کند که سه نام دارد، نامی مانند نام من و نام پدرم که عبدالله و احمد است، و نام سوم مهدی است و او اولین ایمان آورندگان است.»

پیشوا

فهرست

- زندان ظالمان این بار جایگاه پادشاه جهان، امام موسی کاظم علیه السلام می شود..... ۳
- بررسی مختصری از زندگی عباس بن علی علیه السلام..... ۴
- پروردگارم، مرا همچون دانه ای در زمین نیکو قرار ده..... ۷
- روایتی درباره ولادت امام حسین علیه السلام که ریشه غلات را می سوزانند..... ۸
- روایت صحیح خلقت حوا..... ۱۰
- اعمال مستحب ماه مبارک رجب..... ۱۲
- حقوق زن در کلام قائم آل محمد علیه السلام چیست؟..... ۱۳
- بررسی شیوه تبلیغی پیامبر صلی الله علیه و آله در دوره جاهلیت..... ۱۶
- شب چراغانیست از اعیاد شعبان شیعیان..... ۱۸



هفته نامه زمان ظهور

هفته نامه زمان ظهور، شماره ۹۹، جمعه ۱۵ اسفند ۱۳۹۹، ۲۱ رجب ۱۴۴۲، ۵ مارس ۲۰۲۱

صاحب امتیاز: مؤسسه وارثین ملکوت
راه های ارتباطی:

www.zamanezohoor.com



هر گونه برداشت از هفته نامه با ذکر منبع بلامانع است.

زمان ظهور منتظر دریافت نظرات، پیشنهادات و انتقادات سازنده شما عزیزان است.

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام

سنتی که همواره تکرار می شود

زندان ظالمان این بار جایگاه پادشاه جهان، امام موسی کاظم علیه السلام می شود

صالحان و زندان ظالمان

متأسفانه امام موسی کاظم علیه السلام نیز از کینه جویی ظالمان زمانش در امان نمانده بود و فرعون زمانش او را به زندان منتقل کرد؛ انگار زندانی کردن حق، رسم دیرینه ظالمان بدکار است، زیرا «هر که عمل بد می کند، روشنی را دشمن دارد.» [یوحنا ۳: ۲۰]

روزی یحیی علیه السلام توسط هیروдіس، حاکم طاغوتی به دلیل بیان حق روانه زندان می شود [ر.ک. انجیل لوقا، ۳: ۲۰] و روزی دیگر سر مبارکش قطع می شود [انجیل متی، ۱۴: ۱۰] و ارمیا علیه السلام را به یاد آوریم که درباره او گفتند: «**درخت را با میوه اش ضایع سازیم و آن را از زمین زندگان قطع نماییم تا اسمش دیگر مذکور نشود.**» [ارمیا، ۱۱: ۱۹] و به یاد آوریم که فرزندان ابلیس او را زدند و او را به زندان افکندند. [ر.ک. ارمیا ۳۷: ۱۵ - ۱۶]

درانتها

یاد آنان هرگز نزد صالحان فراموش نشد، یادی که مخالفان با تمامی امکانات مادی خود سعی بر آن داشتند که خاموش و محو شود و هرگز چیزی از آن باقی نماند، به درستی که زندان نتوانست بر یوسف و امام موسی کاظم علیه السلام غلبه کند؛ پس چگونه می تواند بر امتی که خدا پیروزی را برای آنان نوشته است، غلبه کند؟

در ۲۵ رجب ۱۴۴۱ قمری مصادف با اول فروردین سال ۱۳۹۹ یمانی آل محمد، احمد الحسن علیه السلام، از امام موسی کاظم علیه السلام این گونه یاد می کند:

«درود خداوند بر تو ای موسی بن جعفر.

به خدا سوگند ای فرزند پیامبر خدا، هیچ عذابی بدتر از شنیدن آنچه برایت اتفاق افتاده نیست.

خداوند لعنت کند امتی را که به تو ظلم کرده و مردمی را لعنت کند که شما را کنار زدند از آن جایگاه هایی که خداوند آن رتبه ها را به شما داده بود.

خداوند اجر شما را بزرگ شمارد.» [پیام صفحه فیس بوک سید احمد الحسن علیه السلام، ۲۰ مارس ۲۰۲۰]

کینه جویی مردم نسبت به اهل بیت علیهم السلام

هرکسی که مصائب اهل بیت پیامبر اسلام را بشنود خواهد دانست که شدت دشمنی با آنان نسبت به سایر انبیا و اوصیای پیش از محمد صلی الله علیه و آله بسیار زیاد بود و حقیقتاً این کلام امام حسین علیه السلام آن ذبح شده نزد رود فرات (ر.ک. ارمیا ۴۶: ۱۰) از داغی عظیم خبر می دهد که گلو را می فشارد: «ما نمی دانیم چرا مردم کینه ما را می جویند، در حالی که ما خانه رحمت و درخت نبوت و سرچشمه علم و معرفتیم.» [نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، ج ۱، ص ۸۵]

سید احمد الحسن علیه السلام:

[آیه] «بگو: بارخدا یا! تویی دارنده ملک و پادشاهی. به هر که بخواهی ملک می دهی»، یعنی ملک (پادشاهی) را خدا تعیین می کند و نه مردم با انتخاباتی که علمای گمراهی بر آن صحه گذاشته اند. (متشابهات، ج ۳، ص ۸۲)

بررسی مختصری از زندگی عباس بن علی (علیه السلام)

كان يقال له قمر بنی هاشم؛ که وی مردی زیبا، تنومند و آراسته بود، هر گاه بر اسب تناوری سوار می شد پاهایش به زمین می رسید و به او ماه بنی هاشم می گفتند. [بحار

الأنوار، ج ۴۵، ص ۳۹]

در روایتی آمده است: «كَانَ الْعَبَّاسُ رَجُلًا وَسِيمًا جَسِيمًا جَمِيلًا وَيَرْكَبُ الْفَرَسَ الْمُطَهَّمَّ وَرَجُلًا تَخْطُانِ فِي الْأَرْضِ» عباس (علیه السلام) مردی زیبا، تنومند و آراسته بود که هر گاه بر اسب تناوری سوار می شد پاهایش به زمین می رسید. علاوه بر این تناسب اندام و ورزیدگی بدن او نشان از توانایی جسمی بالا می داد که از پدر به ارث برده بود. دلیل دیگر قدرت بالای جسمانی او ورزش و چالاکی او بود که از کودکی با آن انس داشت. در روایات نقل شده است که حضرت علی (علیه السلام) از همان سنین کودکی، فنون رزمی مانند کشتی، شمشیرزنی، تیراندازی و سوارکاری را به او می آموخته و گاه خود با او به ورزش می پرداخته است.

حضرت عباس (علیه السلام) پرستشگر راستین آفریدگار خویش بود

و اکنون نگاهی مختصر خواهیم داشت بر جنبه هایی از زندگی بسیار با ارزش حضرت عباس بن علی (علیه السلام):

عباس بن علی (علیه السلام) مشهور به ابوالفضل و قمر بنی هاشم و باب الحوائج متولد ۴ شعبان ۲۶ هجری قمری، فرزند حضرت امام علی (علیه السلام) و ام البنین (علیها السلام) و برادر کوچک تر امام حسین بن علی (علیه السلام) است.

ویژگی های ظاهری و خصوصیات روحی و اخلاقی ابوالفضل (علیه السلام)

ایشان (علیه السلام) چون ماه تمام، در میان هاشمیان می درخشید. جد او، عبد مناف را «ماه مکه» و عبد الله، پدر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را «ماه حرم» می خواندند. حضرت عباس (علیه السلام) نیز «ماه بنی هاشم» لقب گرفت تا لقب گویایی برای چهره رعنا و دلکش او باشد. در میان بسیاری از منابع تاریخی در خصوص ویژگی های ظاهری و جسمانی حضرت ابوالفضل (علیه السلام) ذکر شده است: «وَكَانَ الْعَبَّاسُ رَجُلًا جَسِيمًا وَسِيمًا جَمِيلًا، وَكَانَ يَرْكَبُ الْفَرَسَ الْمُطَهَّمَّ وَرَجُلًا تَخْطُانِ الْأَرْضَ، وَ

مطلع نوشتار را مزین می کنیم به فرمایشی از یمانی موعود (علیه السلام)، امام احمد الحسن (علیه السلام) که پیرامون عموی بزرگوارشان (علیه السلام) این گونه می فرمایند:

«امام حسین (علیه السلام) با منیت روبرو شد، و سوارکار این رویارویی (پیکار با منیت) بعد از امام حسین (علیه السلام) و بهترین کس در میدان جنگ و کارزار، حضرت عباس بن علی (علیه السلام) بود، آنگاه که آب را از دست خود ریخت و به جای آن از قرآن جرعه ای برداشت: «هر چند در خودشان احتیاجی مبرم باشد، آن ها را بر خودشان مقدم می دارند.» [حشر، ۹]

و چه نیازمندی شدیدی بود نیازمندی عباس (علیه السلام) و چه ایشاری بود ایشار عباس (علیه السلام)؟ آیا آن ایشار بود یا اینکه امری است که کلمات در بیان آن عاجزند. و امام حسین (علیه السلام) در کربلا با ابلیس لعنة الله علیه دشمن قدیمی بنی آدم، روبرو شد. کسی که وعده داده بود که همه را از راه مستقیم گمراه و وارد جهنم کند. و حقیقتاً امام حسین (علیه السلام) و یارانش در این رویارویی پیروز شدند.» [سید احمد الحسن (علیه السلام)، خطبه نصیحتی به طلاب]

سید احمد الحسن (علیه السلام):

قرآن، قانون است، نه اینکه مردم، قانون وضع کنند؛ همان طور که علمای گمراهی چنین کرده اند.

(متشابهات، ج ۳، ص ۸۲)

«است.» [تنقیح المقال، ج ۲، ص ۱۲۸]

در روایتی، یکی از پیشوایان معصوم (علیه السلام)، شخصیت علمی و جایگاه معرفتی او را این‌گونه ترسیم می‌فرماید: «إِنَّ الْعَبَّاسَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْعِلْمَ زَقَّأً؛ به درستی که عباس بن علی (علیه السلام)، دانش را از سرچشمه نوشیده است، نوشیدنی!» [بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱۳۷]

امام صادق (علیه السلام) در آغاز زیارت‌نامه حضرت عباس (علیه السلام)، او را با صفت ایمان و خداباوری خوانده و در پایان،

او با سه تن از دشمنان قوی و زورمند به نام‌های «مارد بن صدیف»، «صفوان بن ابطح» و «عبدالله بن عقبه غنوی» قهرمانانه جنگید و آن‌ها را به هلاکت رسانده، یا فراری داد. حضرت عباس (علیه السلام) در عرصه معرفت و دانایی، شخصیت برجسته‌ای است. وجود او سرشار از درک پاک و عمیقی است که از منبع علم الهی پدر بزرگوار خود سرچشمه گرفته است. درباره دانش او گفته شده است: «وَقَدْ كَانَ مِنْ فُقَهَاءِ أَوْلَادِ الْأَثَمَةِ؛ عباس، از جمله فرزندان دانشمند امامان

و نشانه‌های عبادت در سیمای معصوم او آشکار بود. اثر سجده‌های طولانی بر پیشانی‌اش نقش بسته بود تا آنجا که قاتل او می‌گوید: «وی نیکوچهره و رشید بود که در پیشانی‌اش اثر سجده می‌درخشید.» [مقاتل الطالبیین، ص ۳۲]

ایشان (علیه السلام) در آخرین شب زندگانی خویش، به همراه دیگر یاران باوفای امام (علیه السلام) سرگرم راز و نیاز می‌شود و با توسن نیایش، به کرانه‌های روشن بندگی می‌شتابد. آن شب، خیمه‌ها در روشنی فرو می‌رود و جاده‌های سبز قنوت در امتداد دست‌ها به آسمان کشیده می‌شود. زمزمه‌های عاشقانه در نسیم گرم کربلا می‌پیچد و فضا را دل‌نشین می‌سازد تا آنجا که برخی نگاشته‌اند: «دشمنان در همان شب، از نیایش آنان دگرگون می‌شوند و سی و دو نفر از آن‌ها به خیل عاشوراییان می‌پیوندند.» [نفس المهموم، ص ۱۱۸؛ بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۹۴]

حضرت ابوالفضل (علیه السلام) مردی تنومند و درشت‌اندام بود که با ورزش کارهای سخت انس داشت. ایشان شمشیر حضرت علی و شجاعت او را به ارث برده بود. به‌طوری که در جنگ‌های مختلف به‌ویژه در کربلا، نبردهای پیروزمندان‌اش یادآور رشادت‌های حضرت علی (علیه السلام) بود.



سید احمد الحسن (علیه السلام):

از جمله اسباب اینکه قائم با شرایع پیشین حکم می‌کند این است که آن حضرت مجری

دین خدا بر روی زمینش است.

(متشابهات، ج ۳، ص ۸۶)



آن بزرگوار در طول عمر خود هرگز برادرانش را به اسم یا کنیه، یا با خطاب «برادرم!» صدا نمی‌زد؛ بلکه با تعبیرهایی مؤدبانه مانند «فرزند پیامبر خدا ﷺ»، «مولای من!» و «سرور من!»، جایگاه بلند ایشان را پاس می‌داشت و مانند دیگر دوستان، بدون در نظر گرفتن برادری خویش، آنان را خطاب قرار می‌داد. [بطل العلقمی، ج ۲، ص ۴۴۳ و ۴۴۴] حضرت عباس علیه السلام در دهم محرم (عاشورا) در واقعه کربلا در حال آوردن آب از رود فرات جهت رفع تشنگی اهل بیت علیهم السلام که توسط سپاه عمر بن سعد محاصره شده بودند، به شهادت رسید.

علیه السلام است، شأنش را بسی والاتر از آن می‌دانم که تیری پرتاب کند و به هدف نشیند یا کرداری از او سرزند و به گناه آلوده شود. ما عصمت را در او، همانند زاده رسول خدا صلی الله علیه و آله شرط نمی‌دانیم، ولی چنین نیست که بگوییم گناهی از او سر زده باشد. [العباس علیه السلام، ص ۱۳۲] حضرت عباس تربیت یافته مکتب امیرالمؤمنین علیه السلام بود و سفارش‌های پدر خود را به بهترین صورت ممکن عملی می‌کرد. وی هرگز بدون اجازه در محضر امام حسین علیه السلام نمی‌نشست و پس از اجازه گرفتن نیز بسیار فروتنانه به صورت دوزانو- در گوشه‌ای می‌نشست. [معالی السبطين، ج ۱، ص ۴۴۳]

بر ایمان محض و بصیرت والای ایشان گواهی داده است و می‌فرماید: «أَشْهَدُ أَنَّكَ لَمْ تَهِنْ وَلَمْ تَكُلْ وَ أَنَّكَ مَضَيْتَ عَلَى بَصِيرَةٍ مِنْ أَمْرِكَ؛ گواهی می‌دهم که تو لحظه‌ای از خود سستی نشان ندادی و برنگشتی؛ بلکه مشی تو بر ایمان و بصیرت در دین رقم خورده بود.» [بحار الأنوار، ج ۹۸، صص ۲۱۷ - ۲۰۶؛ مصباح الزائر، ص ۲۱۴ - ۲۱۷]

«سید عبدالرزاق مقرر» تاریخ نویس معاصر، شعری از علامه میرزا محمد علی اردوبادی بدین مضمون نقل می‌کند: عباس علیه السلام که عالم به قرآن، آگاه به طریق هدایت، علم و دین و منسوب به خمسه طیبه



سید احمد الحسن علیه السلام:

تمام انبیا و فرستادگان نیز مبشّر و منذر بوده‌اند و شرایع آن‌ها آن گونه که باید و شاید بر روی زمین و در عمل اجرا نشده است.

(متشابهات، ج ۳، ص ۸۶)

بادستان خالی می‌گوییم، روبه‌سوی تو:



پروردگارم، مرا همچون دانه‌ای در زمین نیکو قرار ده

و بار آور شده، بعضی صد و بعضی شصت و بعضی سی ثمر می‌آورد.» [متی ۱۳: ۲۳]
ای خدا اجابتم نما، زیرا می‌دانم که (همه چیز نزد تو ممکن است.) [مرقس ۱۴: ۳۶]؛ آمین یارب العالمین.



خدایا مرا چون دانه‌ای در راه افتاده قرار مده تا که مرغان آسمان آمده آن را در منقار گرفته و ببلعند. «کسی که کلمه ملکوت را شنیده و آن را نفهمید، شریر می‌آید و آنچه را در دل او کاشته شده است می‌رباید، همان است آنکه در راه کاشته شده است.» [متی ۱۳: ۱۹]

و سرورا، مرا چون دانه‌ای قرار نده که بر سنگلاخ افتاده باشد، جایی که خاک زیاد نداشته باشد، زیرا چون سبز شود عمق ندارد و از حرارت آفتاب بسوزد، چراکه ریشه ندارد. «۲۰ و آنکه بر سنگلاخ ریخته شد، اوست که کلام را شنیده، فی‌الفور به خشنودی قبول می‌کند، ۲۱ و لکن ریشه‌ای در خود ندارد، بلکه فانی است و هرگاه سختی یا صدمه‌ای به سبب کلام بر او وارد آید، در ساعت لغزش می‌خورد.» [متی، فصل ۱۳]
خدایا مرا چون دانه‌ای قرار مده که در خار می‌افتد، چراکه خار نمو کند و عرصه را تنگ کرده، آن را خفه کند. «و آنکه در میان خارها ریخته شد، آن است که کلام را بشنود و اندیشه این جهان و غرور دولت، کلام را خفه کند و بی‌ثمر گردد.» [متی ۱۳: ۲۲]

بلکه مرا چون دانه‌ای قرار ده که در زمین پاک کاشته می‌شود و بار می‌آورد شاید صد دانه و شاید شصت و شاید سی. «و آنکه در زمین نیکو کاشته شد، آن است که کلام را شنیده، آن را می‌فهمد

سیداحمدالحسن الرضائي:

در واقع خضر، ایلیا و عیسی علیهم‌السلام فقط به این جهت باقی مانده‌اند که برای مردم شهادت دهند حکم قائم‌الزمان همان چیزی است که آدم، نوح، ابراهیم، موسی و عیسی علیهم‌السلام آورده‌اند. (متشابهات، ج ۳، ص ۸۶)



به مناسبت زادروز یکی از دو سرور جوانان اهل بهشت

روایتی درباره ولادت امام حسین علیه السلام که ریشه غلات را می‌سوزاند

می‌کنند، محدود بود و الا چرا او نام پسران هارون علیه السلام را نمی‌دانست؟ (...) وما كان اسمه؟ [...] وما اسمها؟ (...) در نتیجه آن‌ها نمی‌توانند ادعا کنند که امام باید نسبت به هر چیزی و هر علمی تسلط داشته باشد؛ چراکه مقام پیامبر صلی الله علیه و آله از مقام سایر امامان علیهم السلام بالاتر است.

سؤالی از مخالفان

اگر در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله حضور داشتید و از او درباره پسران هارون علیه السلام پرسش می‌کردید و مشاهده می‌کردید که برترین خلق خدا از آن بی‌اطلاع است، چه می‌کردید؟ آیا می‌گفتید که بر مدعی حقیقی لازم است تا از هر چیزی اطلاع یابد؟ قطعاً هیچ‌یک از شیعیان جرأت زدن چنین حرفی را ندارند، اما با تأسف وقتی به سیزدهمین وصی پیامبر صلی الله علیه و آله می‌رسند از او انتظارات نابجا دارند و می‌خواهند او از هر چیزی اطلاع داشته باشد! حتی نام شهرها و... به عنوان مثال امام احمد الحسن علیه السلام، در تاریخ ۲۰ اوت ۲۰۱۸ میلادی فرمودند: «ویدئوی زیر، از تربت حیدریه مشهد ۱۹ اوت ۲۰۱۸ م

نسبت به موسی، او را به نام پسر هارون نام‌گذاری کن! جبرئیل فرود آمد و به او از طرف خدای عز و جل تهنیت گفت و گفت: خدای تبارک و تعالی به تو دستور داده که او را به نام پسر هارون بنامی. فرمود چه نامی داشت؟ گفت: شیر، فرمود: زبان من عربی است. گفت: او را حسن بنام و حسنش نامید و چون حسین متولد شد خدای عز و جل به جبرئیل وحی کرد که برای محمد پسری متولد شده برو او را تهنیت گو و بگو علی نسبت به تو چون هارون است نسبت به موسی، او را به نام پسر هارون بنام. گفت: نامش چه بود؟ گفت شیر، گفت زبان من عربی است، گفت به حسین نام‌گذاری اش کن. پس او را حسین نامید.» [الأمالی، الشيخ الصدوق، ج ۱، ص ۱۹۷] از این حدیث چه نکته‌ای می‌توان استخراج کرد؟

محدود بودن علم پیامبر صلی الله علیه و آله

با دقت در این حدیث می‌توانیم این نکته را بفهمیم که علم پیامبر صلی الله علیه و آله برخلاف آنچه جاهلان تصور

آیا در این دنیا، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله که مقامش از همگان بالاتر است به هر چیزی آگاهی داشتند؟ در این نوشتار کوتاه قصد داریم تا به برکت ولادت سرورمان امام حسین علیه السلام نکته‌ای را بیان کنیم.

لحظه‌ای تدبر

به این حدیث دقت کنید:

«علی بن حسین علیه السلام: چون فاطمه حسن را به دنیا آورد، به علی گفت: او را نام‌گذاری کن. فرمود: من در نام‌گذاری او به رسول خدا پیشی نگیرم. رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و او را در پارچه زردی خدمت او آوردند، فرمود: آیا قدغن نکردم که او را در پارچه زرد نیچید؟ (پیامبر) آن را دور انداخت و پارچه سفیدی گرفت و او را در آن پیچید. سپس به علی علیه السلام فرمود: او را نام‌گذاری کردی؟ عرض کرد: من در نامش به شما پیشی نگرفتم. فرمود: من نیز در نامش بر خدای عز و جل پیشی نگیرم. خدا به جبرئیل وحی کرد که برای محمد صلی الله علیه و آله پسری متولد شده، برو او را سلام برسان و تهنیت بگو و بگو علی نسبت به تو چون هارون است

سید احمد الحسن علیه السلام:

انسان اگر به آنچه از علم پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت آن حضرت علیهم السلام آموخته است عمل کند و بر عبادت و بندگی که همان اصل عمل است مداومت نماید، قطعاً درب‌های غیب

به روی او گشوده خواهد شد. (متشابهات، ج ۳، ص ۹۱)

جمع احادیث در خصوص علم امام علیه السلام همان کلامی است که سید احمد الحسن علیه السلام ارائه فرمودند. پژوهش تفصیلی در این مسئله فرصت دیگری را می طلبد؛ اما آنچه بیان شد برای انسان عاقل و منصف کفایت می کند.

نتیجه گیری

بنابراین عدم دانش فرستادگان بر مسائل تاریخی یا حتی تکنولوژی های روز، دلیل بر عدم حقانیت آنان نیست و اگر کسی بخواهد احمد الحسن علیه السلام را رد کند دقیقاً با این کار فرستادگان پیشین را رد و دوری خود را از حقیقت اثبات کرده است.

مسائل جدیدی را که در تشریع به وجود می آید، بیان کند. علم، چیزی نیست که بوده است، بلکه چیزی است که می شود؛ به عنوان مثال: شناخت خلیفه خدا با استفاده از کتاب خلیفه پیشین یا حفظ بودن آن کتاب یا حفظ بودن تشریع پیشین، این ها علوم مهمی نیستند که لازم باشد خلیفه خدا در زمین آن ها را دارا باشد؛ چرا که این گونه امور نزد مردم هست و هر انسان دیگری امکان به دست آوردن آن را دارد و داشتن آن، فضیلتی برای خلیفه خدا نیست.» پایان نقل قول. لازم به ذکر است که حدیث ذکر شده موافق قرآن کریم و سنت ثابت موجود در انبیاء علیهم السلام است و

است...» پایان نقل قول. برخی جاهلان اشکال می گیرند که از آنجا که امام احمد الحسن علیه السلام موقعیت درست آن شهر را بیان فرمود و تربت را بخشی از مشهد دانست، بنابراین او حجت خدا نیست! می گوئیم اگر ندانستن دقیق یک مکان نشانه عدم حقانیت باشد، بنابراین شما بر پیامبر صلی الله علیه و آله اشکال بزرگ تری وارد کرده اید، چرا که او نام های فرزندان یکی از پیامبران خدا را نمی دانست! کدام از نظر شما بدتر است؟ ندانستن نام یک شهر یا ندانستن نام های فرزندان یک نبی؟ چقدر از حقیقت دور هستند آن کسانی که بر احمد الحسن اشکال وارد می کنند!

چیستی علم فرستاده

اما اینجا سؤالی مطرح می شود، پس علمی که لازم است فرستاده با آن بیاید چیست؟ امام احمد الحسن علیه السلام در کتاب عقاید اسلام، بخش «علم خلیفه خداوند در زمین» فرمودند:

«علمی که خلیفه خدا در زمین باید داشته باشد، شناخت چیزهایی است که نجات مردم در آخرت وابسته به آن است و آن علم به عقاید و تشریع است؛ در نتیجه باید به او وحی شود تا سخن نهایی نزد او باشد و اعتقاد حق و شریعت حق و



سید احمد الحسن علیه السلام:

عبادت آزادگان، به این معنا نیست که آن ها از آتش خدا و از خشم خدا نمی هراسند و

به بهشت خدا و ثواب الهی امید ندارند.

(متشابهات، ج ۳، ص ۹۷)

احمد الحسن از دیدگاه دین و علم پاسخ می‌دهد:

روایت صحیح خلقت حوا

البته قضیه به همین جا ختم نمی‌شود؛ چراکه آن‌ها می‌گویند: نسل همه انسان‌ها به آدم و حوا محدود می‌شود؛ بنابراین همه انسان‌ها باید در همه چیز با هم مطابقت داشته باشند و تنها فرق بین آن‌ها در جنسیت (نروماده) باشد. به عبارت دیگر همه ما باید نسخه‌ای یکسان باشیم و تنها تفاوتی که بین ما برقرار است نوع جنسیتمان باشد، مگر اینکه این افراد، به جهش ژنتیکی و تکامل اقرار کنند و بگویند: تکاملی وجود داشته است که باعث تغییر نقشه ژنتیکی شده باشد؛ یعنی پس از آدم و حوا جهش ژنتیکی رخ داده و ویژگی‌های نسل‌ها را تغییر داده است.

حقیقت این است که چنین نظریه و ایده‌پردازی‌هایی با در بسته مواجه شده و آنچه ذکر شد تنها گریزگاه آن‌هاست. **البته این خود به آن معناست که ایشان به نظریه پیشرفت و جهش، اعتراف دارند.** همین نکته رشته آن‌ها را پنبه می‌کند و عقیده‌شان مبنی بر اینکه حوا از آدم آفریده شده است را به باد می‌دهد؛ زیرا آن‌ها نمی‌توانند بگویند که ما فقط به تکامل در محدوده جسم انسانی معتقد هستیم؛ چراکه تغییر و گونه‌زایی، از انباشت جهش و انتخاب در طول زمان ناشی می‌گردد و کسی که به جهش و تغییر ویژگی‌ها اعتقاد دارد، نمی‌تواند گونه‌زایی را به عنوان نتیجه‌ای حتمی که در اثر جهش و تغییر ویژگی‌ها و به مرور زمان حاصل می‌شود، انکار کند. در واقع هیچ راهی برای پذیرش یک چهارم یا نیمی از تکامل وجود ندارد: یا باید آن را به طور کامل

طبق دیدگاه برخی علمای بی‌عمل ادیان، حضرت حوا اولین زنی است (از نوع زنان کنونی) که پای بر سیاره زمین گذاشته است و از دنده حضرت آدم آفریده شده است!!

اما آیا از منظر علم این دیدگاه صحیح است؟ و آیا متون دینی محکم غیرقابل تأویل، این داستان اشاعه شده توسط علمای یهود و... را تأیید می‌کنند؟ سید احمد الحسن در پاسخ به پرسش‌های فوق می‌نویسند:

«از دیدگاه علمی، اینکه حوا از بخشی از وجود آدم خلق شده باشد به این معناست که حوا نقشه ژنوم آدم را به طور کامل داراست و این یعنی حوا نیز مذکر است! بر این اساس ما برای تغییر کروموزوم نوع Y به X، تا نتیجه مؤنث (XX) باشد و نه مذکر (XY)، به یک معجزه نیاز داریم.



سید احمد الحسن رحمته‌الله:

کسی که خدا را دوست بدارد عطا و بخشش او را دوست می‌دارد و هر نعمتی را که از جانب خدا بر او ارزانی شود نیز دوست می‌دارد؛ نه به این خاطر که از آن بهره‌مند شده و لذت می‌برد؛ بلکه از آن رو که از عطایا و بخشش‌های حبیبش خدای سبحان و متعال است.

(متشابهات، ج ۳، ص ۹۷)

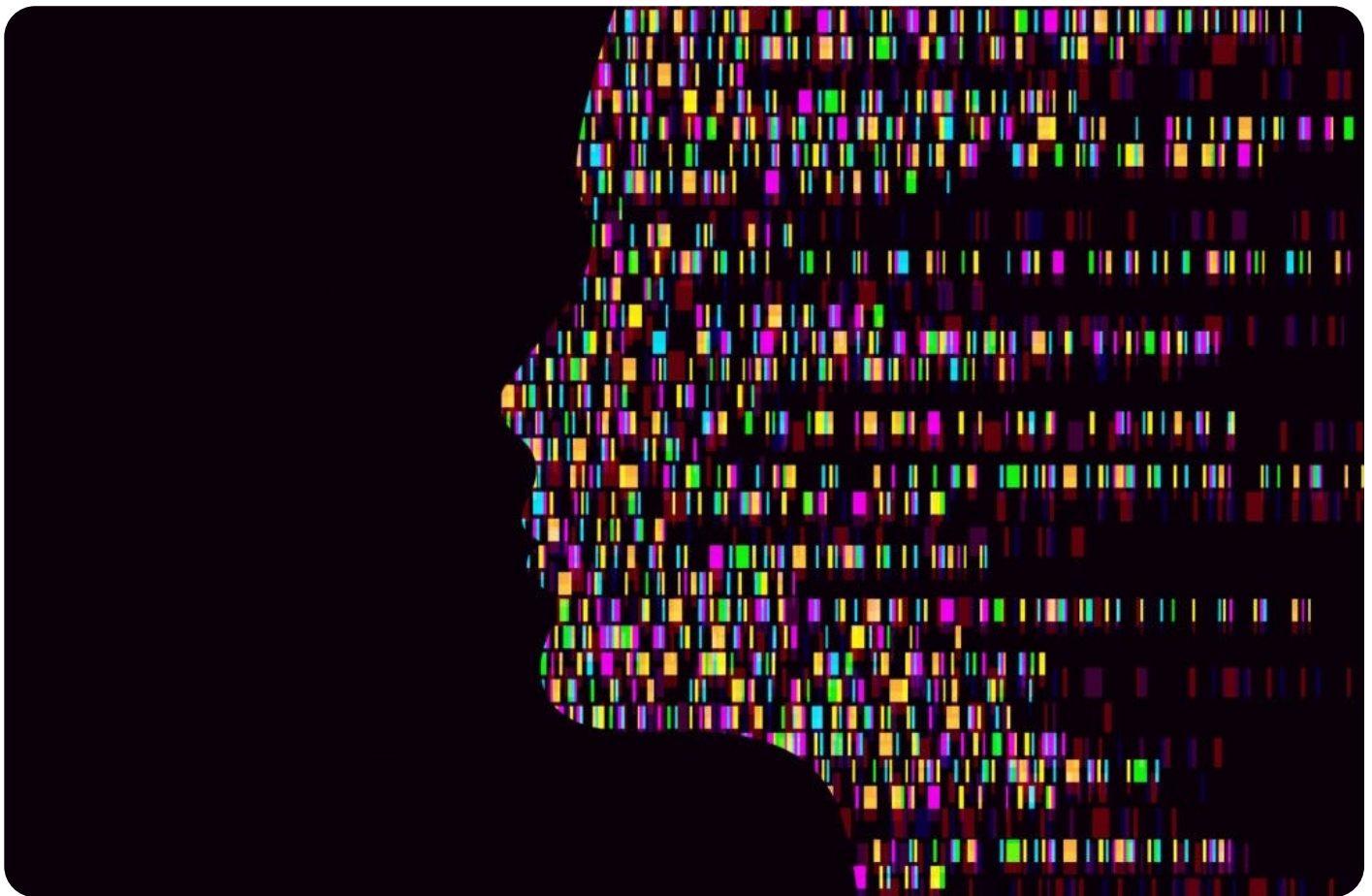


حکمت اینکه نقشهٔ ژنتیکی از جسم آدم گرفته شد، سپس ویران گشت و از نو ساخته شد چه بود؟ آیا بهتر نبود همان مواد اولیه از هر جای دیگر زمین گرفته می‌شد و نقشهٔ ژنوم حوا بر اساس آن ساخته شود، تا دیگر به ویران کردن نیازی نباشد؟! واقعیت آن است که هیچ راه حل منطقی برای حل و فصل این موضوع بغرنج وجود ندارد، به جز آنچه در تفسیر آیه بیان نمودم؛ یعنی اینکه قضیه در آسمان در بهشت آدم علیه السلام روی داده است و مربوط به نفس است، نه جسم.» [۱]

منبع:

[۱] احمدالحسن، توهم بی‌خدایی: نشانه‌های پروردگار در هستی، ترجمهٔ فارسی، ۱۳۹۷ ه.ش، صفحه ۱۹۵ و ۱۹۶.

پذیرفت یا اینکه آن را از ریشه انکار نمود؛ زیرا هیچ دلیل منطقی برای اثبات سخن سخیفی که می‌گوید: «تکامل فقط در محدودهٔ یک گونهٔ یکتا امکان پذیر است، اما نمی‌تواند منجر به ایجاد گونهٔ جدیدی شود» وجود ندارد و کسی که چنین سخنی بر زبان می‌راند، به دلیل عدم آگاهی از علم ژنتیک و دانش زیست‌شناسی تکاملی دست به این کار می‌زند. آنچه باقی می‌ماند این است که ممکن است برخی از این افراد بگویند: نقشهٔ ژنتیکی آن بخشی که از آدم گرفته شد، به طور کامل تغییر یافت؛ سپس حوا از آن آفریده شد. مفهوم این سخن آن است که اگر مواد شیمیایی را که نقشهٔ ژنوم حوا از آن ساخته شده است، از هر نقطه دیگری از زمین می‌گرفتند، هیچ تفاوتی در نتیجه پدید نمی‌آمد. اگر چنین است، پس دلیل و



سید احمد الحسن علیه السلام:

بهترین دعا و تضرع به درگاه الهی، همان دوست داشتن ولی خدا و حجت او بر بندگانش است.

(متشابهات، ج ۳، س ۱۰۰)



اعمال مستحب ماہ رجب

ابن الجوزي



۱۰۰ مرتبہ

- استغفر الله
- الشکر لله

- سبحانه هو الله الواحد القهار



روزہ



آیاتی از قرآن

خواندن آیه الكرسي (۳ یا ۷ مرتبہ):

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَاتُحْتَ الثَّرَىٰ عَالِمُ الْغَيْبِ الشَّهَادَةُ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ

خواندن آیه ملك (۳ یا ۷ مرتبہ):

قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكُ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ شَاءَ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ شَاءَ وَتُعْزِزُ مَنْ شَاءَ وَتُذِلُّ مَنْ شَاءَ يَدُكَ الْخَبِيرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ تُؤْتِيهِ اللَّيْلُ فِي النَّهَارِ وَتُؤْتِيهِ النَّهَارُ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَنْ شَاءَ بِغَيْرِ حِسَابٍ

خواندن آیه شهادت (۳ یا ۷ مرتبہ):

شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلَكُ الْوَكِيلُ وَأَوَّلُ الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ • إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا فِي بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بِنِعَائِهِمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ

خواندن آیه سخره (۳ یا ۷ مرتبہ):

إِنَّ رَبَّكَ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حِينًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا أَلَمَّا خَلَقَ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ • اذْغُوا رَبَّكُمْ تَضَرَّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ • وَلَا تَقْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ

خواندن آیه نور (۳ یا ۷ مرتبہ):

اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ شَاءَ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ • فِي نُبُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَتَذْكُرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ • رَجُلًا لَا تُؤْمِنُ بِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا يَتَّعُ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ • لِيَجْزِيَ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَزَيَدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ يَزِدُّ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ

خواندن آیه آخر كهف (۳ یا ۷ مرتبہ):

قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مَدَادًا لَكَلِمَاتِ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا • قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مُثَلِّمُكُمْ • نُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا



حقوق زن در کلام قائم آل محمد علیه السلام چیست؟

پیشگفتار

اسلام زن را بسیار گرامی داشته است؛ به اعتبار مادر بودنش که نیکی و اطاعت از او واجب و رضایتش باعث رضایت خداوند است و نافرمانی و خشمگین کردن او را حرام قرار داده، حتی اگر با گفتن (اُف) باشد و حق او را بزرگتر از حق پدر قرار داده و رسیدگی به او در حال پیری و ناتوانی را تأکید کرده است.

زن و تضييع حقوق

نادیده گرفتن نقش محوری زن در خانواده و توجه نکردن به مدیریت و نقش مؤثر او در مسائل معنوی و تدبیرگری زن در خانواده از مسائلی است که موجب ظهور زن در نقش مرد و سلب موقعیت های خاص او برای تربیت نسل و مدیریت خانواده در غرب شده است. ظرافت روحی و لطافت حیاتی وجود زن در غرب بنا به حاکم بودن جهان بینی مادی در نظر گرفته نمی شود. غرب، ادعای تساوی حقوق زن و مرد را در حالی مطرح می کند که زن در جایگاه منحصر به فرد خانواده نادیده گرفته می شود؛ تربیت کودکان و نقش همسری که از زیباترین نقش های زن

ارث می برند و دیه آن ها نیمی از دیه مردان است. اما کسانی که زن و مرد را بشناسند و تفاوت های موجود در استعداد، شخصیت و خلقت آن ها را در یابند به خوبی می دانند که این اختلاف ها به معنای نابرابری نیست و هر کدام آیه ای از آیات قدرت الهی است.

سید احمد الحسن علیه السلام می فرمایند:

«کسی که می گوید به زن در تشریعی خاص مانند ارث یا شهادت، ستم شده است باید برای ما بیان کند ملاک و میزان قانونی اش را که بر اساس آن عدل و ستم مشخص می شود؛ و در نتیجه بیان کند و یقین نماید که باید زن با مرد در همه چیز مساوی باشد؛ با اینکه همه ما می بینیم که زن با مرد در هر چیزی مساوی نیست.

همچنین کسی که می خواهد در یک نظام قانونی و تشریعی، تشریع مشخصی را نقد کند، باید این تشریع را مانند بخشی از این نظام در نظر بگیرد و این بخش را جدا نکند و با آن به صورت جدای از نظام به عنوان یک کُل، برخورد نکند. حداقل به حقوق زن و واجباتش در قانون الهی توجه کند؛ نه اینکه

بوده و با فطرت او سازگار است، از زن سلب و برای او نقش بدلی در نظر گرفته می شود که با فطرتش سازگار نیست.

نقش هایی که غرب به زن تحمیل کرده با لطافت او سازگار نیست. دیدگاه غرب به زن دیدگاهی امپریالیستی، سودگرایانه و سرمایه داری است به همین دلیل قوانین حقوقی زن که در غرب وضع می شود با هدف سودجویی، بهره کشی و به میدان آوردن بیشتر زنان حتی به قیمت نابودی توانمندی ها و استعدادهای وجودی آن ها مقرر می شود.

آیا احمد الحسن علیه السلام حق زن را بیان کرده است؟

در دنیای کنونی ملاک کرامت و شرافت افراد، انسانیت است نه جنسیت. زن و مرد در همه کشورها و ادیان برابر شمرده شده و از حقوق مشابه و مساوی بهره مند می شوند، هرچند نمی توان انکار کرد که همواره به زنان به علل گوناگون در جوامع مختلف ستم شده است. از نگاه فمینیستی زن در اسلام جایگاهی ندارد، زنان نصف مردان

سید احمد الحسن علیه السلام:

حج به معنای سفر به مکانی مشخص است و برترین سفر، سفر به سوی خدا به قصد ولی خدا و حجت خدا بر بندگان است؛ چراکه او قبله ای است که با آن، خدا شناخته می شود.

(متشابهات، ج ۳، س ۱۰۰)



زن و مرد موجود است تنها مربوط به شکل اندام‌های جنسی آن‌ها نیست؛ بلکه نتیجه علتی عمیق‌تر است. به علت توجه نکردن به این نکته اصلی و مهم است که طرفداران زن فکر می‌کنند که هر دو جنس می‌توانند یک قسم مسئولیت‌های یکسانی بر عهده گیرند. زن در حقیقت در جهات زیادی با مرد متفاوت است. وظیفه ایشان در راه تکامل بشریت خیلی بزرگ‌تر از مردهاست نبایستی آن را سرسری گیرند و رها کنند.

[انسان موجودی ناشناخته، الکسیس کارل، ترجمه پرویز دبیری، ص ۱۰۰]
سید احمد الحسن علیه السلام می‌فرماید:

«بر شوهر واجب است وظایفش در قبال همسر و فرزندان‌ش با محبت و خرسندی به انجام برساند. بر همسر نیز واجب است که عقیف و دوستدار باشد و با شوهرش رفتاری

همه باز است؛ و آن اینکه: دنیا سراسر جهل است مگر مواضع علم و علم حجت است مگر آنچه از سر اخلاص باشد و اخلاص هم در معرض خطر عظیمی قرار دارد تا ببیند که عاقبتش چه می‌شود! همه در برابر این قانون برابرند. خوشا به حال کسانی که می‌شنوند و با توفیق الهی بر ایشان عمل می‌کنند.»
[پاسخ‌های روشنگرانه، ج ۵، ص ۴۹۳]

حقوق زن در کلام قائم آل محمد علیهم السلام چیست؟ حق شخصیت

کسی نمی‌تواند تفاوت‌های طبیعی زن و مرد را منکر شود و اختلاف غرایز و تمایلات و استعداد‌های آن‌ها را انکار کند. «الکسیس کارل» فیزیولوژیست و زیست‌شناس معروف فرانسوی در این باره می‌نویسد: اختلافی که بین

فقط به حقوق توجه کند و بگوید در قانون الهی به زن، حقوقی کمتر از مرد داده شده است.» [پاسخ‌های روشنگرانه، ج ۷، ص ۸۰۶]
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با تکیه بر وحی، دینی را برای بشر به ارمان آورد که زن در آن به اندازه مرد، دارای احترام و منزلت است.

حقوق و تکالیف زن و مرد در دین اسلام بر پایه اشتراک و تفاوت‌های فطری و تکوینی و با هدف تنظیم حکیمانه روابط اجتماعی صورت‌بندی شده است.

زن در اجتماع دارای حقوق مختلفی است؛ چون حق تحصیل، حق شخصیت، حق نفقه و...

حق تحصیل کمالات الهی

در نگاه اسلام ملاک برتری انسان‌ها نه جنسیت، نه ثروت و نه مقام آن‌ها، بلکه تقوا و ارزش اخلاقی است؛ حق رسیدن به کمال انسانی و تحصیل فضیلت‌های الهی برای زن به مانند مرد در دین اسلام ثابت شده است.

سید احمد الحسن علیه السلام می‌فرماید:

«باب ارتقاء (در ملکوت) برای همه باز است و در این خصوص هیچ‌کسی با دیگری تفاوتی ندارد، نه بین مرد و زن و نه عرب و عجم و نه بین سفید و سیاه؛ این دروازه ضمن قانونی برای



سید احمد الحسن علیه السلام:

انسان در آسمان‌های ملکوتی به مقامات می‌رسد، سپس او بدون غذای جسمانی مادی، می‌خورد و می‌آشامد.

(متشابهات، ج ۳، ص ۱۰۲)



و نیکوکاری با همسر مؤمن، امور را به سمتی که در آن خیر آخرت و دنیا است سوق می دهد، و این رفتار رزق را سرازیر می کند و فقر و شر را دفع می کند، از خداوند برایتان خیر دنیا و آخرت و اصلاح بین خودتان را می خواهم، خداوند شما را برای انجام هر کار خوبی موفق کند.» [پاسخ های روشنگرانه، س ۴۶۵، ج ۵]

نتیجه گیری

سید احمد الحسن علیه السلام زن را از تمام ابعاد مورد بررسی قرار می دهند و این موجود ظریف را مایه پیشرفت و تکامل نسلی سازنده می دانند. ایشان با کلام خود برای مقام زن ارزشی والا قرار داده اند که می تواند به مقام های بالاتر صعود کند.

مواردی است که مدنظر خداوند است؛ چراکه به محافظت جامعه انسانی از فساد اخلاقی منجر می شود. اما مجرد بودن، جدایی و طلاق، از بین بردن خانواده و اینکه ارتباط بین زوجین سرد یا سخت باشد، مسائلی است که خداوند نمی خواهد؛ چراکه باعث از هم پاشیدن اخلاقی جامعه انسانی و گسترش فساد در زمین می شود.

ای مؤمنان! با نیکي و مهرباني و محبت و کلمه طيبه به همسرانتان پيروز اوريد. خداوند شما را موفق بدارد. [پاسخ های روشنگرانه، ج ۷، س ۷۶۲]

«شما و مؤمنین را سفارش می کنم که با همسران و خانواده تان نیکوکار باشید، خداوند شما را توفیق دهد،

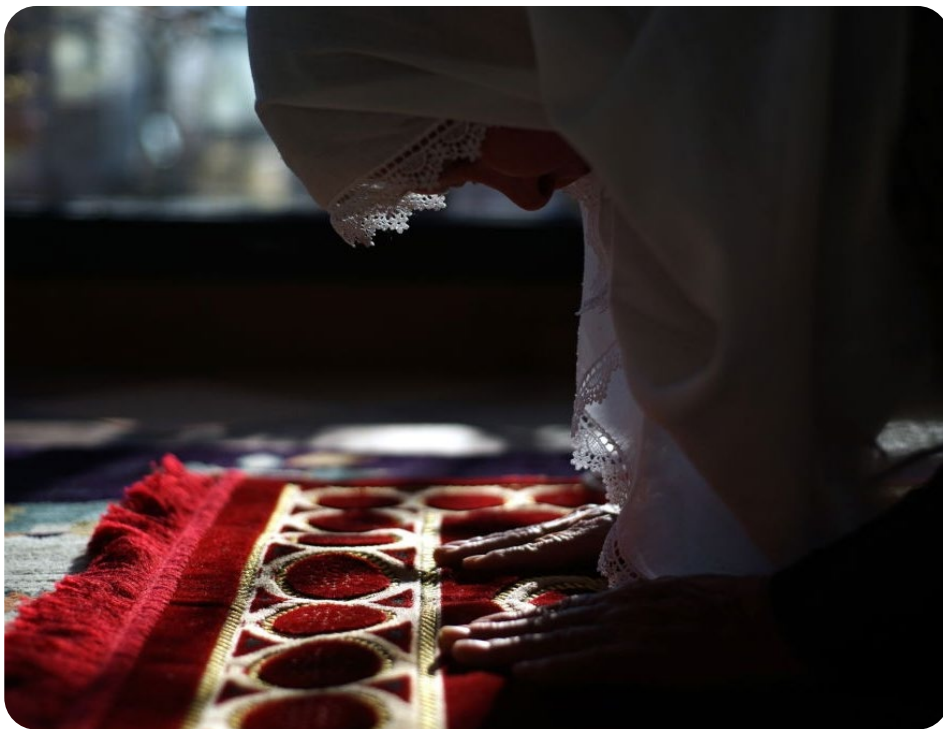
توأم با نرمی داشته باشد. من معتقدم بیشتر اوقات زن می تواند خانواده و خانه اش را بسازد و رضایت همسرش را با تأنی و سخن نیکو به دست آورد و به این ترتیب، رضایت خداوند را کسب کند.» [پاسخ های روشنگرانه، ج ۱، س ۱۵۵]

حق نفقه

پرداختن نفقه به زن تکلیفی است که به عهده مرد قرار گرفته است و به همین دلیل وی موظف است کلیه مخارج و هزینه های زندگی همسر را تأمین کند. البته در قبال پرداخت نفقه، زن موظف است از همسر خود تمکین کند.

سید احمد الحسن علیه السلام می فرمایند: «بر شوهر واجب است به همسرش نفقه بدهد. این حکم شرعی است. خداوند توفیق تان دهد و احوالتان را اصلاح فرماید؛ امیدوارم با مهربانی و دوستی و اصلاح بین خودتان، با یکدیگر رفتار کنید. شما خانواده هستید و شوهر و همسر، شرکت تجاری نیستند تا برخوردهای شما با یکدیگر مادی باشد.» [پاسخ های روشنگرانه، ج ۷، س ۷۳۹]

سید احمد الحسن علیه السلام می فرمایند: «بدانید که ازدواج و ایجاد خانواده و وجود ارتباط محکم بین زوجین و حاکم شدن دوستی و مودت بر آن،



سید احمد الحسن علیه السلام:

روزه دار اگر در روز بخوابد، سیر و سیراب می شود؛ همان طور که در حدیث از اهل بیت علیهم السلام روایت شده است.

(متشابهات، ج ۳، س ۱۰۲)



دعوت محمد ﷺ

بررسی شیوه تبلیغی پیامبر در دوره جاهلیت

«شَرَعَ لَكُم مِّنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ» [۱]

«برای شما دین و آیینی مقرر کرد، از آنچه به نوح وصیت کرده بود و از آنچه بر تو وحی کرده ایم و به ابراهیم و موسی و عیسی وصیت کرده ایم که دین را بر پای نگه دارید.»

می بینیم که رسول خدا ﷺ در برابر علمای سه دین الهی تحریف شده می ایستد و با آن‌ها مبارزه می کند؛ یعنی دین حنیف، مسیحیت و یهودیت. روشن است که ایستادن در برابر عالم الهی منحرف چه در عقیده و چه در قانون گذاری مطابق با هوای نفسش، بسیار دشوارتر از ایستادن در برابر بت پرست یا ملحدی است که به وجود خداوند ایمان ندارد؛ چرا که عالم الهی گمراه، سخن خداوند را بر اساس هوای نفسش تأویل و عقاید الهی را بر اساس هوای باطنی اش ترسیم می کند و استدلال‌ها و مغالطه‌هایی را ترتیب می دهد تا ثابت کند که مطلب باطلش، حق است. فتنه گر با حجتش رویارو خواهد شد؛ همان طور که رسول خدا ﷺ فرموده است:

«كل مفتتن ملقى حجه إلى انقضاء مدته، فإذا انقضت أحرقت فتنه في النار» [۲]

«هر صاحب فتنه‌ای با حجتش رویارو خواهد شد تا زمانش سر آید. هنگامی که فرصتش به پایان رسید، فتنه اش او را در آتش خواهد سوزانید.»

به همین دلیل می گویم: **اگر محمد ﷺ دعوت**

رسالت پیامبر خدا ﷺ در زمانی آغاز شد که همه ادیان الهی دچار تحریف شده بودند و جاهلیت در اوج خود بود...

پیامبر ﷺ به ناچار باید با تمامی این عقیده‌های باطل روبه‌رو می شد که این مسئله بسیار امر دعوت را دشوار می کرد.

به همین دلیل است که در روایت آمده است که هیچ پیامبری به اندازه پیامبر اعظم ﷺ سختی نکشید؛ زیرا اغلب پیامبران پیشین تنها با یک عقیده باطل غالب روبه‌رو میشدند در حالی که پیامبر خدا با چندین عقیده...

تنها محمد ﷺ می توانست با وجود این مشقت‌ها رسالت خویش را به بهترین نحو به سرانجام برساند؛ او توانست با اخلاق و عمل بی نظیر خود بهترین تجلی خداوند در خلق شود و بالاترین مقام را بین تمام مخلوقات کسب کند...

بی شک، شکل دعوت پیامبر ﷺ می تواند بهترین الگو و نمونه برای آیندگان و مخصوصاً انصار و یاران قائم السلامه در جهت اعتلای حاکمیت خداوند باشد.

یمانی آل محمد السلامه در کتاب روشنگری‌هایی از دعوت فرستادگان چنین می فرماید:

«دعوت محمد ﷺ دعوتی عامه و فراگیر بود. گویی تمام آنچه در دعوت‌های پیامبران پیشین بود و حتی بیشتر از آن را در بر می گرفت. چنین معنایی در حدیث وارد شده است که هر آنچه در انجیل و تورات و زبور است، در قرآن نیز هست. خداوند متعال می فرماید:

سید احمد الحسن السلامه:

واقعیتی که مردم باید بدانند این است که «انسان با غذا می میرد».

(متشابهات، ج ۳، س ۱۰۲)

اسلامی را بر عهده نمی‌گرفت، هیچ پیامبری به غیر از او نمی‌توانست آن را بر عهده بگیرد. پدر و مادرم به فدایش؛ چیزی را بر عهده گرفت که هیچ فردی غیر از او تاب تحملش را نداشت. دعوت را اقامه فرمود و با علمای گمراه و طاغوت‌هایی که بر مردم مسلط بودند، به مبارزه برخاست. یک بار با علمش که فردی غیر از او به جز علی علیه السلام که بابش بود، تاب تحملش را نداشت؛ همان طور که ایشان علیه السلام او را توصیف کرده است: «من شهر علم هستم و علی درب آن» و یک بار با نیرویی که از توکلش به خداوند به دست آورده بود و همانندی برایش شناخته نشده است، با آن‌ها به مبارزه برخاست. در طائف ایستاد، در حالی که بر اثر سنگ‌هایی که بدن شریفش را خون‌آلود نموده بود، پر از درد بود و با پروردگارش با کلماتی مناجات می‌کرد که وقتی مؤمنان آن را می‌شنوند، دل‌هایشان به لرزه می‌افتد و چشمانشان اشک‌بار می‌گردد: «خداوند! به توشکایت می‌کنم از اندک‌بودن نیروی خود و کوتاه‌بودن چاره‌اندیشی‌ام و ناتوانی‌ام در برابر مردم. ای پروردگار ضعیفان! مرا به که وامی‌گذاری، در حالی که تویی پروردگار من؟ به دشمن تا امر مرا مالک شود؟



یا به فردی دور که بر من روی در هم کشد؟ اگر تو بر من خشمگین نباشی، هیچ هراسی ندارم...» محمد صلی الله علیه و آله ایایی ندارد، هنگامی که این سفیهان، کودکانشان را تحریک می‌کنند تا ایشان را با سنگ بزنند و خون از بدنش سرازیر شود و در راه خداوند تحقیر شود. اهمیتی نمی‌دهد، اگر مردم تکذیبش کنند؛ ولی هنگامی که ایمان نمی‌آوردند، اندوهگین می‌شد؛ چرا که او صلی الله علیه و آله می‌بیند در انتهای راهی که می‌روند، جهنم قرار گرفته است.

محمد صلی الله علیه و آله این چنین به پا خاست. یک بار با حکمت و پند نیکو به راه خدا دعوت می‌کرد و یک بار با روشی نیکو بحث و مجادله می‌کرد و بار دیگر با کافران و منافقین به جنگ بر می‌خاست و مدت بیست و سه سال بر آنان سخت‌گیری می‌کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله در این مدت، روی آرامش و مدارا ندید... پندها، بحث و جدل‌ها، مبارزه و قتال، و دعوت به سوی خداوند، تا آخرین نفس. در آخرین روزهای عمرش در حالی که به علی علیه السلام و عباس تکیه کرده بود، بیرون آمد تا مردم را به پیکار و خروج به همراه اسامه پسر زید تشویق کند و در عین حال از پروردگارش اطاعت می‌نمود و در پرستش او تا آنجا زیاده‌روی کرد که خداوند جلیل او را خطاب قرار داد:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«طه * مَا أَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى [۳]»

«طه * قرآن را بر تو نازل نکرده‌ایم تا به مشقت درآفتی.»

منابع:

[۱] بحار الانوار، ج ۱۹، ص ۲۲.

[۲] طه، ۱ و ۲.

[۳] مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۲۶ و ۲۷، ح ۲؛ مجمع الزوائد، ج ۵، ص ۳۳۹.

روشنگری‌هایی از دعوت‌های فرستادگان، ج ۱، ص ۴۴-۴۷.

سید احمد الحسن علیه السلام:

با غذا و شهوات، روح از ارتقا بازمی‌ماند و به تدبیر این بدن جسمانی متوجه و منحرف می‌شود و برای روح، این مشغول‌شدن به معنای نوعی مرگ تدریجی است.

(متشابهات، ج ۳، ص ۱۰۲)



یادشماره اعیاد شعبان

اعیاد شعبانیه مبارک

شب چراغانی ست از اعیاد شعبان شیعیان

آسمان از ماه و شید و نجم، عریان شیعیان
اختر عباس و مهسجاد و سلطان شیعیان
ماه طاهای رسول است، ماه ایمان شیعیان
زینتش داده به سجده خیر مردان شیعیان
این عموی بر حرم چو نان نگهبان شیعیان
یعنی این هنگام فوز است بعد خسران شیعیان
جامه تقوا به تن سازید و بر جان شیعیان
بس نلکها خورده ایم از این نمکدان شیعیان
کن دعاها خالص و با چشم گریان شیعیان
نیمه شعبان رسید و وقت پیمان شیعیان

شب چراغانی ست از اعیاد شعبان شیعیان
بر زمین نازل شده مجموع ماه و شید و نجم
ماه ماه فتح عرش است و نزول نورها
سید خیل شهیدان علت آغاز شد
حضرت عباس و وسع غیرت زیبای او
ماه شعبان زیر بار کثرت انوارهاست
خیز ای در خواب گشته، خیز در تهلیل عید
خوش گدایس کرده ایم عمری به باب اهل بیت
با وضو رو به خدا سازید و در امر خروج
عمر مهدی در غیاب از قرن ها گذشته است

مهم ترین خبر جهان!

سید احمد الحسن علیه السلام ظهور کرد

ای یهودیان! فرستاده ایلیا آمده است.

ای مسیحیان تسلی دهنده و فرستاده مسیح آمده است.

ای عزیزان اهل سنت! آن مهدی که در آخر الزمان متولد

می شود، اکنون در میان ماست.

ای شیعیان و دوستداران اهل بیت علیهم السلام فرستاده امام مهدی و
دعوت کننده به سوی او، یمانی موعود، سال هاست که منتظر
شماست.

ای تمام آزاداندیشان و اهل علم در زمین! خلیفه خدا با سندی
از علم و شگفتی ها آمده است.